

## زیارت قبور از نگاه مذاهب اسلامی

رحمت الله ضیائی ارزگانی

### چکیده

یکی از مسائل مورد مناقشه بین مذاهب اسلامی و جریان وهابیت، موضوع زیارت قبور انبیا، اولیا و مومنین است که وهابی‌ها آن را حرام و غیر جایز می‌پندارند که در برابر آنها، پیروان مذاهب اسلامی با تکیه بر منابع یقینی یعنی قرآن و سنت نه تنها این عمل را حرام نمی‌دانند، بلکه آن را امری مشروع قلمداد می‌کنند که در رشد و تعالی معنوی زائر بسیار موثر است. از این رو، زیارت همواره از اعمال پسندیده اسلام بوده و در طول تاریخ، مسلمانان به آن عنایت و اهتمام داشته‌اند. در منابع روایی متعدد از رسول گرامی اسلام (ص) نقل شده است که فرمودند: «مَنْ زَارَ قَبْرِی وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِی: هر کس مرا زیارت کند، شفاعتم برای او واجب می‌شود.» (کنز العمال، ج ۱۵: ۶۵۱) در این مقاله، مشروعیت زیارت از دیدگاه مذاهب فقهی اهل سنت (حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی) بررسی و تبیین شده است که همه آنها بالاتفاق، به جواز آن تصریح نموده‌اند. در پایان نیز به چند مورد از مکان‌های زیارتی اهل سنت اشاره گردیده است.

**کلید واژه‌ها:** مذاهب، زیارت قبور، انبیا، اولیا، ائمه، مسلمانان، اهل سنت، شیعه، وهابیت.

## معنای زیارت

زیارت، از ریشه «زور» و اصل آن به معنای میل و عدول از چیزی است (ابن فارس، ج ۳: ۳۶) که با انگیزه بزرگداشت کسی و انس گرفتن با او به وی روی آورد (فیومی، ج ۱: ۲۶۰). برخی «زور» را به معنای بالای سینه گفته‌اند (خلیل بن أحمد، ج ۷: ۳۷۹)، یعنی وقتی گفته می‌شود فلانی را زیارت کردم، یعنی با بالای سینه‌ام، او را ملاقات کردم (راغب، ۳۸۷). در اصطلاح، نیز زیارت عملی عبادی به معنای حضور در پیشگاه پیشوایان دینی یا نزد قبور آنان یا دیدار از مکانی مقدس یا محترم برای اظهار ارادت و احترام و کسب فیض معنوی است. این عمل عبادی، نزد همه پیروان مذاهب و به خصوص شیعیان جایگاهی ویژه و اثرات معنوی و ثواب بسیاری دارد.

## فواید زیارت

زیارت اقسام متفاوتی دارد که هر کدام از آنها فواید منحصر به فردی دارد. به عنوان مثال، زیارت خانه خدا فلسفه و آداب ویژه‌ای دارد که در کتاب‌های مربوط به آن به طور مفصل بیان شده است. زیارت مؤمنان و قبور آنان هم رابطه‌ای دو سویه است که هم برای زائر و هم برای شخص زیارت شونده دارای برکات و فوایدی است. علاوه بر ثواب زیاد دیدار مؤمن، در روایات مختلف تأکید شده که صاحب قبر متوجه حضور زائرانش شده و از حضور آنان خشنود می‌گردد. از فواید دیگر زیارت قبور مؤمنان می‌توان به یاد مرگ افتادن، عبرت گرفتن و آماده اصلاح گذشته شدن اشاره کرد.

انبیاء و اولیا، انسان‌های کامل و محبوب‌ترین بندگان نزد خدا هستند که در اوج تقوا و قرب به حضرت حق قرار دارند. محبت ورزیدن به آنان نیز دستور الهی است و دشمنی با آنان به منزله دشمنی با خداوند است. رسیدن به مقامات قرب الهی بدون دوست داشتن دوستان خدا و پذیرفتن ولایت آنان امکان‌پذیر نیست. از این بیان می‌توان فضیلت زیارت را دریافت؛ چرا که زیارت از بهترین راه‌های ارتباط با پیشوایان دین است که موجب توفیق و جلب معنویت خواهد شد (تهانوی، ج ۲: ۱۰۸۲). همچنین تکریم آنان، ارتباط قلبی بین زائر و مزور را تحکیم می‌بخشد و در حقیقت، موجب استمرار راه و مسیر معنوی آنان خواهد شد. آمرزش گناهان، بهره‌مندی از شفاعت آنها (کنزالاعمال، ج ۱۵: ۶۵۱) و برآورده شدن حاجات از دیگر نتایج معنوی است که زیارت اولیای الهی در پی دارد.

## زیارت در تاریخ اسلامی

از داده‌های تاریخی استفاده می‌شود که رسول اکرم (ص) هم خود به زیارت قبور بقیع می‌رفت و به آنها سلام می‌فرمود و هم به دیگران سفارش می‌نمود. متن زیارت رسول خدا (ص) هم در منابع معتبر آمده

است. در مسلم، بن حجاج حدیثی را از عایشه نقل نموده است که وی می گوید: هر موقع آخر شب فرا می رسید، پیامبر به سوی بقیع می رفت و می گفت: «السَّلَامُ عَلَیْكُمْ دَارَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ، وَأَتَاكُمْ مَا تُوْعَدُونَ غَدًا، مُؤَجَّلُونَ، وَإِنَّا، إِنْ شَاءَ اللَّهُ، بِكُمْ لَاحِقُونَ، اللَّهُمَّ، اغْفِرْ لِأَهْلِ بَقِيعِ الْعَرَقَدِ: درود بر شما ای ساکنان خانه افراد با ایمان، خداوند آنچه را به شما وعده داده فردا به شما عطا فرماید، شما میان مرگ و رستخیز به سر می برید و ما نیز به شما خواهیم پیوست، پروردگارا اهل بقیع **غرقد** را بیامرز» (صحیح مسلم، ج ۲: ۶۶۹)

همچنین پیامبر (ص) هر سال به زیارت شهدای احد می رفت و بر آنان درود می فرستاد و چنین می فرمود: «سلام و درود بر شما به واسطه صبر و تحملی که از خود نشان دادید! سرای آخرت چه سرای نیکویی است.» (ابن عابدین، ج ۲: ۲۴۲) در روز فتح مکه نیز با هزار سوار پوشیده از سلاح، قبر مادرش را زیارت کرد و هیچ گاه دیده نشده بود که مانند آن روز، آن قدر زیاد گریه کند (بیهقی، ج ۱۱: ۴۶۹).

فاطمه زهرا (س) با تاسی از رسول الله (ص) هر صبح گاه شبیه به زیارت شهدا می رفت، آن گاه نزد قبر حمزه می شتافت و برای او درخواست رحمت و استغفار می کرد (المستدرک، ج ۱: ۵۳۳). امام حسین (ع) پس از آن که ولید بن عقبه، حاکم مدینه از ایشان خواست تا با یزید بیعت کند به زیارت جدش رسول خدا (ص) رفت و به ایشان متوسل شد (أحمد، الفتوح، ج ۵: ۱۸).

عبدالله بن عمر هر وقت عازم سفر می گردید، به مسجد می رفت و نماز می خواند و سپس به زیارت قبر رسول الله (ص) می رفت و به حضرت سلام می نمود (ابن ابی شیبّه، المصنف، ج ۳: ۵۷۶). سرخسی روایتی را نقل می کند که در آن آمده است که عایشه (رض) مرتب به زیارت قبر نبی (ص) می رفت (سرخسی، ج ۲۴: ۱۰).

بیهقی به نقل از هاشم بن محمد العمری (از فرزندان عمر بن علی) می گوید: «در مدینه، روز جمعه، صبح گاهان میان فجر و طلوع خورشید، پدرم مرا به زیارت قبر شهیدان برد. من پشت سر او می رفتم تا به مزار شهیدان رسیدیم. پدرم با صدای بلند گفت: سلام بر شما که چون صبوری کردید، خوب جایگاهی دارید. [اهل قبور] جواب سلام پدرم را دادند که: سلام بر تو ای ابا عبدالله. پدرم به من نگاهی کرد و پرسید: تو جواب سلام مرا دادی؟ گفتم: نه. او مرا در سمت راست خود قرار داد و دوباره سلام داد. باز جواب سلام را شنید، سه بار این کار را تکرار کرد و هر سه بار، جواب سلامش را دادند، آن گاه پدرم به سجده افتاد و شکر خدا را به جا آورد.» (سمهودی، ج ۳: ۱۱۲)

یحیی به نقل از «عطاف» می گوید: «خاله ام از زنان پارسا و پرهیز کار بود. او برایم تعریف می کرد که سوار مرکب شدم و بر سر قبر حمزه رفتم، غلام من نیز همراهم بود. در آنجا تا می توانستم نماز خواندم

و به جز من و آن غلام، هیچ کس دیگری بر سر قبر نبود. او ایستاده بود و افسار مرکب را به دست داشت. پس از نماز، ایستادم و با دستم به قبر حمزه اشاره کردم و گفتم: سلام بر شما، صدای جواب سلام خود را از زیر زمین شنیدم. آری! به همان وضوح که می‌دانم خدا مرا آفریده، صدا را نیز به همان وضوح شنیدم، موهای تنم سیخ شد، همان لحظه، غلام را صدا زدم و او مرکب را آورد و سوار شدم.» (همان، ج ۳: ۱۱۱)

ابوعلی غسانی از ابوالفتح نصر بن حسن سکتی سمرقندی نقل می‌کند که در سال ۴۶۴ ق نزد ما آمد و این حکایت را برای ما بیان کرد که در سمرقند، بعضی سال‌ها باران نمی‌بارید و قحطی باران می‌شد، مردم بارها نماز استسقاء می‌خواندند؛ ولی جواب نمی‌گرفتند. مرد صالحی نزد قاضی سمرقند آمد و به او گفت: من نظری دارم که می‌خواهم آن را به شما بگویم، این که همه به سمت قبر امام محمد بن اسماعیل بخاری برویم که قبر ایشان در خرتنک (یکی از شهرهای ازبکستان) است. در کنار قبر محمد بخاری، استسقاء کنیم و امید است که خداوند برای ما باران ببارد. این کار را انجام دادیم و قاضی طلب باران کرد و مردم در کنار قبر او گریه کردند و طلب شفاعت از صاحب قبر نمودند. خداوند با این توسلی که ما به قبر بخاری کردیم، باران فراوانی را فرستاد به حدی که مردم هفت روز در خرتنک ماندند و راه نبود که مردم بروند.»

### زیارت در روایات

روایات مربوط به زیارت در منابع اهل سنت به چند دسته تقسیم می‌شود: دسته اول روایاتی است که از آنها به دست می‌آید که در یک مقطع زمانی خاصی، اصل زیارت قبور ممنوع اعلام شده بود، اما پس از مدتی این منع توسط پیامبر برداشته شد. حاکم در «المستدرک» به نقل از پیامبر اکرم (ص) آورده است: «قَدْ كُنْتُ قَدْ نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ إِلَّا فَرُورُوهَا: شما را از زیارت قبور نهی کردم، از این پس زیارت کنید.» (المستدرک، ج ۱: ۵۳۰)

دسته دوم روایاتی است که از زیارت قبور برای زنان، نهی می‌کند؛ به عنوان نمونه، «لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زَوَارَاتِ الْقُبُورِ» (ابن ماجه، ج ۱: ۵۰۲). مستمسک اصلی برای قائلین به حرمت رفتن زنان به زیارت قبر در بین اهل سنت، این دسته از روایات است. در عین حال برخی مانند البانی سند این گونه روایات را ضعیف و برخی راویان را متهم می‌دانند (البانی، ج ۲: ۳۷۰). افزون بر اینکه احادیث متعدد دیگر بر جواز زیارت زنان، دلالت دارد (المستدرک، ج ۱: ۵۳۳).

دسته سوم، روایاتی است که امر به زیارت قبور کرده است و اشاره به نهی گذشته ندارد. به عنوان مثال ابوذر از پیامبر نقل می‌کند: «زِرِ الْقُبُورَ تَذَكَّرُ بِهَا الْآخِرَةَ: قبرها را زیارت کن که تو را به یاد آخرت می‌اندازد.» (مناوی، ج ۳: ۱۶۲)

دسته چهارم، روایاتی است که می‌گوید سنت و سیره همیشگی پیامبر بر زیارت قبور بوده است. این روایات از ام المومنین عایشه (رض) نقل شده است که پیامبر (ص) هر شبی که ایشان نزد او بود، در آخر شب به بقیع می‌رفتند و آنان مورد خطاب قرار می‌دادند و می‌فرمودند: «سلام بر شما، خانه قومی مؤمن، آمد شما را آنچه که خدا وعده تان داده بود» (بستی، ج ۷: ۴۴۴)

## زیارت از دیدگاه مذاهب

### ۱. مذهب حنفی

بنا به تصریح سرخسی که خود از فقیهان صاحب‌نام مذاهب حنفی است، دیدگاه احناف رخصت در زیارت قبور هم در حق مردان و هم زنان ثابت است و آنچه در زیارت ممنوع است، بیهوده سخن گفتن است (سرخسی، ج ۲۴: ۱۰). شرنبلانی نیز در کتاب «مراقی الفلاح» که آن را بر اساس نظرات امام ابوحنیفه جمع‌آوری کرده است، می‌گوید: «بعضی گفته‌اند زیارت برای زنان حرام است، ولی اصح این است که رخصت زیارت قبور هم برای مردان و هم برای زنان است. پس به قول صحیح برای زنان هم مستحب است.» (شرنبلانی، ج ۱: ۲۲۹)

علاءالدین الحصکفی، می‌گوید: «زیارت قبر پیامبر (ص) مستحب است و بعضی از علماء گفته‌اند، برای کسی که استطاعت دارد، واجب است» (ابن عابدین، ج ۲: ۶۲۶)

ملاعلی قاری حنفی در شرح روایت نهی زن‌ها از رفتن به زیارت قبور می‌گوید: «ظاهر روایت «نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ فَرُورِهَا» عموم را می‌رساند و خطاب در «نَهَيْتُكُمْ» و «زوروا» از باب تغلیب (غلبه داشتن) است و یا اینکه اصل در خطاب مردان هستند، گرچه فعل آن برای مذکر آمده ولی در واقع هم مردان و هم زنان را شامل می‌شود. پس زنان نیز با رعایت شرایط می‌توانند به زیارت قبور بروند.» (قاری، ج ۴: ۱۲۵۵)

ابن عابدین حنفی در باره زیارت قبور می‌گوید: «آیا زیارت قبر پیامبر (ص) برای زنان مستحب است؟ بنا بر قول صحیح، مستحب است و کراهتی هم ندارد. البته در صورتی کراهت ندارد که شرایطی را که برخی علما برای زیارت برشمرده‌اند، رعایت شود. ولی به نظر ما قول درست‌تر، همان نظر کرخی و دیگران است. بنا بر نظر کرخی، زیارت برای مردان و زنان جایز است و هیچ اشکالی هم ندارد. بنا بر نظر غیر کرخی به دلیل اینکه اصحاب، بدون هیچ قید و شرطی گفته‌اند که زیارت مستحب است، پس زیارت

برای زنان نیز استحباب دارد، حتی نویسنده کتاب «نثر اللبات» اعتقاد دارد که زیارت قبور واجب است.»  
(ابن عابدین، ج ۲: ۶۲۶)

محمدعلی تهانوی، یکی از علمای برجسته و صاحب‌نام حنفی درباره فلسفه زیارت قبور این چنین تفسیری دارد: «وقتی کسی از دنیا می‌رود، نفس او مجرد می‌گردد و به جهان فراخ‌تر می‌رود و نفس مجرد مراحل کمال را همچنان در جهان دیگر می‌پیماید. هنگام زیارت چون زائر نزد زیارت‌شونده می‌رود، از گستردگی او بهره می‌گیرد و بر کمالش افزوده می‌شود. زیارت قبور اولیا و انبیا باعث بخشش انوار فراوان از سوی آن بزرگواران بر زائر می‌گردد، چنان‌که صاحبان بصیرت آن را مشاهده نموده و بر آن شهادت داده‌اند.» (تهانوی، ج ۲: ۱۰۸۲)

## ۲. مذهب شافعی

محمد بن ادریس شافعی از ائمه بزرگ اهل سنت با استناد به حدیثی از رسول‌الله (ص) به صراحت تمام به جواز زیارت قبور فتوا داده است و گفته است: «وَلَا بَأْسَ بِزِيَارَةِ الْقُبُورِ: هیچ اشکالی در زیارت قبور نیست» (شافعی، ج ۱: ۳۱۷) و نیز از وی نقل شده است که می‌گفت: «من به ابوحنیفه تبرک می‌جویم و هر روز بر سر قبرش می‌آیم. اگر مشکلی برایم پیش بیاید، دو رکعت نماز می‌خوانم و سر قبرش می‌آیم. کنار قبر او، حاجتم را از خدا می‌خواهم و هنوز حاجتم بالا نرفته، برآورده می‌شود.» (خطیب، ج ۱: ۴۴۵)

ابن حجر عسقلانی شافعی که یکی از بزرگترین علمای اهل سنت است، گفته که حرام شمردن زیارت رسول اکرم (ص)، یکی از زشت‌ترین مسائل ذکر شده از ابن تیمیه است، زیرا غیر از ابن تیمیه، سایر فقها بر جایز بودن زیارت قبور به اجماع استدلال کرده‌اند (ابن حجر، ج ۳: ۶۶)

حافظ ذهبی از بزرگان شافعی که هم‌عصر ابن تیمیه است می‌گوید: «خوشا بحال کسی که در کنار مرقد پیامبر با فروتنی درود بر ایشان می‌فرستد. این بهترین زیارت است، به خدا سوگند فریاد زدن و شیون مسلمانان و بوسیدن دیوارها چیزی غیر محبت به خدا و رسولش نیست، و محبت به پیامبر (ص) جداکننده اهل بهشت و جهنم است. از این رو زیارت قبر پیامبر (ص) ما را به خدا نزدیک‌تر می‌کند.» (ذهبی، ج ۴: ۴۸۴)

## ۳. مذهب مالکی

مذهب مالکی اگرچه پیروان زیادی ندارد، ولی در عین حال نظریه‌پرداز آن مالک بن انس از محدثان و فقهای بزرگ جهان اسلام است. کتاب موطا وی از اهمیت والایی در بین اهل سنت برخوردار است و حاوی نظرات این رهبر سنی مذهب است که بر مبنای روایات منسوب به رسول‌الله (ص) ذکر شده است

در این کتاب روایاتی از رسول الله (ص) نقل شده است که مشروعیت زیارت قبور را می‌رساند (ابن انس، ج ۲: ۴۸۵).

ابن حاج مالکی در کتاب المدخل خود با نقل کلامی از عبدالله بن نعمان قائل به جواز زیارت اهل قبور به خاطر تبرک شد، وی در این باره چنین نقل می‌کند: «برای اهل بصیرت و موعظه یقینی است که زیارت قبور صالحین به خاطر تبرک و موعظه محبوب (مستحب) است، چون برکت صالحان بعد از وفات‌شان هم مثل زمان حیات‌شان ادامه دارد و دعا نزد قبور ایشان و شفیع قرار دادن آنها عملی است که علمای محقق ما از امامان دین انجام می‌دادند.» (ابن الحاج، ج ۱: ۲۵۵)

#### ۴. مذهب حنبلی

هر چند ابن تیمیه از حنابله، زیارت قبور اهل بقیع و شهدای احد را برای دعا کردن و طلب استغفار جهت ایشان مستحب می‌دانست، اما وی بر این باور است که زیارت قبور پیامبران و صالحین برای طلب حاجت یا دعا از ایشان گمراهی، شرک و بدعت است (ابن تیمیه، ج ۲۴: ۳۱۷). ولی در میان علمای این مذهب، کسانی هستند که بر خلاف دیدگاه ابن تیمیه قرار دارند و بر جواز زیارت قبور تأکید دارند.

ابن قدامه مقدسی که دانشوری بسیار مشهور است و به گفته ذهبی کتابی در فقه اهل سنت به جامعیت المغنی وی نگارش نیافته، در مورد زیارت می‌گوید: «زیارت قبور برای مردان بنا بر نص صحیح «کنت نهیتکم عن زیارة القبور فزوروها...» مباح است و مخالفی هم برای آن دیده نشده است و نیز اهدای ثواب به ارواح مردگان که نصوص فراوانی دلالت بر جواز آن دارد، بلاشکال است.» (مقدسی، ج ۲: ۵۶۵-۵۷۰) وی درباره جواز زیارت قبرها برای زنان نیز می‌نویسد: «از احمد بن حنبل در این باره فتاوی گوناگونی نقل شده است، ولی مسلماً می‌توان گفت که ابتدائاً با توجه به روایت «لعن الله زوارات القبور» زنان از آن نهی شده‌اند، اما بعداً با صدور روایت نبوی با کلام «فزوروها» که عام است و بر زن و مرد شمول دارد، باید گفت که آن نهی قبلی نسخ شده است.» (همان)

#### قبرهای زیارتی

تاریخ اسلام نشان می‌دهد که مسلمانان از گذشته دور تا به امروز، به زیارت قبور اصحاب و مؤمنان می‌رفتند و به قبور آنها توسل و تبرک می‌جستند. اکنون به برخی از این موارد اشاره می‌کنیم:

#### ۱. قبر سلمان فارسی

خطیب بغدادی می‌گوید: «قبر آن جناب در نزدیکی ایوان کسری قرار دارد و هم‌اکنون مشخص و معروف است، برای آن بنایی ساخته‌اند و خادمی هم دارد که از آن، مراقبت و نگهداری می‌کند. من آن

مکان را دیده‌ام و بارها به زیارت آن رفته‌ام.» (خطیب، ج ۱: ۵۰۸) ابن جوزی هم می‌گوید: «قلانسی و سمنون گفته‌اند که قبر سلمان را زیارت کرده‌اند.» (ابن جوزی، المنتظم، ج ۱۲: ۲۴۱)

## ۲. قبر ابویوب انصاری

وی در سال ۵۲ ه. ق در روم درگذشت. حاکم نیشابوری می‌گوید: «مردم از قبرش مراقبت می‌کنند و به زیارتش می‌روند و به هنگام خشک‌سالی در کنار قبر وی از خداوند باران می‌طلبند.» (المستدرک، ج ۳: ۵۱۸)

## ۳. محمد بن ادريس شافعی

شافعی پیشوای شافعیان در سال ۲۰۴ ه. ق درگذشت. وی را در «قراه» صغری نزدیکی مکانی به نام «مقطم» به خاک سپردند و قبرش زیارتگاه مردم است (ابن خلکان، ج ۴: ۱۶۵).

## ۴. احمد بن حنبل

پیشوای حنبلیان در سال ۲۴۱ ق درگذشت. ذهبی می‌گوید: «مردم به زیارت ضریح او در بغداد می‌روند.» (ذهبی، ج ۱: ۱۱۴) ابوبکر بن مکارم می‌گوید: «در یکی از سال‌ها قبل از ماه رمضان، باران زیادی آمد، من خوابیده بودم و در خواب دیدم که آمدم کنار قبر امام احمد بن حنبل تا زیارت کنم و مشاهده کردم که قبر او به زمین چسبیده است و اندازه نصف ساق یا دو برابر آن بیشتر از قبر باقی نمانده است. من ناراحت شدم که باران باعث خرابی قبر امام احمد بن حنبل شده است، اما شنیدم صدایی از قبر آمد که می‌گوید: نه به خاطر باران قبر من خراب نشده است، بلکه از عظمت خداوند متعال قبر من خراب شده و به زمین چسبیده است، زیرا خداوند عزوجل یک روزی به زیارت من آمده بود.» (ابن جوزی، مناقب، ج ۱: ۶۰۷ و ۶۰۸)

## ۵. ابوحنیفه

پیشوای حنفی‌ها در سال ۱۵۰ ه. ق درگذشت. ابن جوزی در این باره می‌نویسد: «در این ایام، آقای ابوسعید مستوفی ملقب به شرف‌الملک بارگاهی برای ابوحنیفه درست کرد و آنجا را زیارتگاه ابوحنیفه نامید. برای قبر او ضریح و قبه‌ای و در کنار او مدرسه‌ای درست کرد و دستور داد فقها آنجا بیایند و مدرس‌هایی درست کردند.» (ابن جوزی، المنتظم، ج ۱۶: ۱۰۰)

## نتیجه‌گیری

از مجموع مطالب مطرح در این نوشتار این نتیجه به دست می‌آید که به جز جریان وهابیت، مذاهب اسلامی دیگر زیارت قبور را جایز و مشروع می‌دانند. در طول تاریخ اسلامی نیز سیره مسلمانان رفتن به



زیارت انبیاء و اولیا بوده است و آنها نه تنها زیارتگاه‌ها را تخریب نمی‌کردند، بلکه در عمران و آبادانی در هر قرن و عصری تلاش می‌نمودند و سهولت‌های لازم را برای زائرین فراهم می‌کردند تا از فیوضات معنوی آن بزرگواران بیشتر استفاده نمایند. بر این اساس، در بیشتر کشورهای اسلامی زیارت‌گاه‌هایی برای علما و اولیای اسلامی ساخته شده که حکایت از مشروعیت آنها در میان مسلمانان و فقهای اسلامی می‌باشد.

### فهرست منابع

۱. ابن الحاج، أبو عبدالله محمد بن محمد، **المدخل**، دارالتراث، بی‌تا.
۲. ابن الحجاج النیسابوری، مسلم، **صحیح مسلم**، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی‌تا.
۳. ابن أنس، مالک، **موطأ**، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۶ق.
۴. ابن تیمیه الحرانی، تقی‌الدین أبو‌العباس، **مجموع الفتاوی**، المدینة النبویة، مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، ۱۴۱۶ق.
۵. ابن حجر العسقلانی الشافعی، أحمد بن علی، **فتح الباری شرح صحیح البخاری**، بیروت، دارالمعرفة، ۱۳۷۹ق.
۶. ابن خلکان، أبو‌العباس شمس‌الدین أحمد، **وفیات الأعیان**، بیروت، دار صادر، بی‌تا.
۷. ابن عابدین، محمد أمين الحنفی، **رد المحتار علی الدر المختار**، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۲ق.
۸. ابن ماجه، أبو‌عبدالله محمد بن یزید القزوينی، **سنن ابن ماجه**، دار إحياء الكتب العربیة، بی‌تا.
۹. الألبانی، أبو‌عبدالرحمن محمد ناصرالدین، **موسوعة الألبانی فی العقیدة**، صنعاء، مرکز النعمان للبحوث والدراسات الإسلامية وتحقیق التراث والترجمة، ۱۴۳۱ق.
۱۰. البستی، محمد بن حبان، **صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان**، بیروت، مؤسسه الرسالہ، ۱۴۱۴ق.
۱۱. البیهقی، أحمد بن الحسین، **شعب الإیمان**، مکتبه الرشد للنشر والتوزیع بالرياض بالتعاون مع الدار السلفية بومبای بالهند، ۱۴۲۳ق.
۱۲. التهانوی، محمد علی، **کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم**، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون، بی‌تا.
۱۳. الجوزی، جمال‌الدین أبو‌الفرج، **المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک**، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۲ق.

١٤. الجوزى، جمال الدين أبو الفرج، **مناقب الإمام أحمد**، دار هجر، ١٤٠٩ق.
١٥. الحاكم، أبو عبدالله محمد بن عبدالله النيسابورى، **المستدرک على الصحيحين**، بيروت، دارالكتب العلمیة، ١٤١١ق.
١٦. الخطيب البغدادي، أبو بكر أحمد بن علي، **تاريخ بغداد**، بيروت، دار الغرب الإسلامي، ٢٠٠٢م.
١٧. ذهبى، شمس الدين أحمد بن محمد، **سير اعلام النبلاء**، تحقيق شعيب الارنؤوط، بيروت، مؤسسه الرساله، بی تا.
١٨. الراغب الأصفهاني، أبو القاسم الحسين بن محمد، **المفردات فى غريب القرآن**، محقق: صفوان عدنان الداودي، بيروت، دارالقلم، بی تا.
١٩. السرخسى، محمد بن أحمد، **المبسوط**، بيروت، دار المعرفه، ١٤١٤ق.
٢٠. السمهودى، علي بن عبدالله، **وفاء الوفاء بأخبار**، بيروت، دارالكتب العلمیة، ١٤١٩ق.
٢١. الشافعى، أبو عبدالله محمد بن إدريس، **الأم**، بيروت، دارالمعرفه، ١٩٩٠م.
٢٢. الشرنبلالى الحنفى، حسن بن عمار، **مراقى الفلاح شرح متن نور الإيضاح**، مكتبة العصریة، ١٤٢٥ق.
٢٣. الصنعانى، أبو بكر عبدالرزاق بن همام، **المصنف**، بيروت، المجلس العلمى، ١٤٠٣ق.
٢٤. طريحي، فخرالدين، **مجمع البحرين**، تهران، مرتضوى، ١٣٧٥ش.
٢٥. الفراهيدى البصرى، أبو عبدالرحمن الخليل بن أحمد، **كتاب العين**، دار ومكتبة الهلال، بی تا.
٢٦. الفيومى، أحمد بن محمد، **المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير**، بيروت، بی تا.
٢٧. القزوينى، أحمد بن فارس، **معجم مقاييس اللغة**، المحقق: عبدالسلام محمد هارون، دارالفكر، ١٣٩٩ق.
٢٨. الكوفى، أحمد بن أعثم، **الفتوح**، دار الأضواء، ١٤١١ق.
٢٩. متقى الهندى، علاء الدين على بن حسام الدين، **كنز العمال**، مؤسسه الرساله، ١٤٠١ق.
٣٠. الملا الهروى القارى، على بن (سلطان) محمد، **مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح**، بيروت، دارالفكر، ١٤٢٢ق.
٣١. المناوى القاهرى، زين الدين محمد، **فيض القدير**، مصر، المكتبة التجارية الكبرى، ١٣٥٦ق.